

ادات تشبيه در اشعار محمود مشرف آزاد تهرانی(م.آزاد)

تاریخ دریافت مقاله: آبان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: آذر ۱۳۹۸

محمد مفتاحی

کارشناس ارشد، زبان و ادبیات فارسی

نویسنده مسئول:

محمد مفتاحی

چکیده

صور خیال یکی از مهم‌ترین ابزار سنجش مهارت شاعران و از راه‌های بررسی دنیای شاعرانه‌ی آن- هاست. تشبيه نخستین شکل خیال است که در ذهن شاعر شکل می‌گیرد. این آرایه‌ی ادبی در شعر معاصر نیز کاربرد و اهمیت ویژه‌ای دارد. محمود مشرف آزاد تهرانی(م.آزاد) از شاعران معاصر و شاگرد و پیرو نیما یوشیج بوده و به سبک وی شعر گفته است. وی لز محدود شاگردان مستقیم نیما و از چهره‌های قابل اعتنای شعر معاصر است. در این مقاله که با روش تحلیلی و توصیفی نگاشته شده است، ابتدا مجموعه اشعار م.آزاد با دقت مطالعه گردید و تشبيهات آن مورد بررسی قرار گرفت. سپس ادات تشبيه مورد بررسی قرار گرفت. پرسش‌های این مقاله عبارتند از : ۱. آیا شاعر، یا توجه به تغییراتی که در شعر نو ایجاد شده است از ادات تشبيه نیز بهره برده است؟ ۲. کدام ادات تشبيه بیشتر در اشعار وی به کار رفته است؟ از یافته‌های این پژوهش چنین بر می‌آید که شاعر از ادات تشبيه مختلف بهره برده است و این ادات به دو نوع پرکاربرد(سترنی) و کم کاربرد(امروزی) قابل طبقه‌بندی هستند.

کلمات کلیدی: صور خیال، تشبيه، ادات تشبيه، شعر معاصر و م.آزاد(محمود مشرف آزاد تهرانی).

مقدمه

هنر در شکل‌های مختلف خود، از دیرباز در جوامع انسانی، به نیکی پذیرفته شده است. در تعریف هنر گفته‌اند: «هنر عبارت است از این که انسانی آگاهانه و به یاری عالیم مشخصه ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده است به دیگران انتقال دهد؛ به طوری که این احساسات به ایشان سرایت کند و آن‌ها نیز این احساسات را تجربه نمایند. و از همان مراحل حسّی که او گذشته است بگذرند» [دهگان، ۱۳۵۶، ص ۵۷]. با توجه به‌این تعریف هنرمند برای انتقال احساسات و تجربیات خود به دیگران باید از نشانه‌های معروف و شناخته شده‌ای بهره بگیرد. به بیان دیگر «هنر آن گاه آغاز می‌گردد که انسانی با قصد انتقال احساسی که خودان را تجربه کرده است به یاری عالیم معروف و شناخته شده‌ی ظاهری بیانش می‌کند» [همان، ص ۵۵].

شعر نیز به عنوان یک هنر حاصل تلاش شاعر برای بیان دریافت‌ها، نگرش‌ها و تجربه‌های ذهنی‌اش با نشانه‌ها و سنجه‌های ادبی است. این تلاش آن هنگام به موفقیت نزدیکترخواهد بود که ازنگرش ویژه‌ی خویش گزارشی مصور تهیه کرده و در قالب واژگان به بیان درآورد. به ویژه در سرزمین می‌شود و در دوره‌های مختلف تاریخی بار ممنوعیت برخی هنرها و کمبود هنرها دیگر را به نیکی به دوش کشیده است. «مهم‌ترین و عالی‌ترین رسانه‌ی فرهنگی ماست. یا به عبارت روشن تر، اصلی‌ترین و پرزوترین برداری است که وجود ایرانی برای رساندن احساس واندیشه و جهان بینی خود برگزیده است» [آشوری، ۱۳۷۷، ص ۹۰]. شاعر با نگاه ویژه‌ی خود به جهان و با بهره‌گیری از تخیل جهانی تازه و جذاب را به مخاطب نشان می‌دهد و راه‌های دیگرگون دیدن را به او رهنمون می‌شود. خیال انگیز و تصویری بودن شعر پایه و اساس ارتباط شاعر با مخاطب است و این نکته بدان اندازه اهمیت دارد که از قدیمی‌ترین تعاریفی که از شعر صورت گرفته تا تعاریف امروزی شعر پایه و اساس شعر به شماره‌رفته است. «تخیل تاثیر سخن باشد بر نفس» [اقبالی، ۱۳۷۰، ص ۷۵].

اما خیال و تخیل چیست؟ «خیال یا تصویر حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است. خیال‌ها یعنی تجربه‌های حسی، واسطه‌های انتقال تجربه‌های عاطفی است زیرا هرگونه عاطفه‌ای در انسان مشترک است. آن‌ها (شاعران) از چیزهایی سخن می‌گویند که دیگران نیز با آن‌ها در آن زمینه مشترک‌کنند. اما بیداری آن‌ها در برابر رویدادها یعنی تجربه‌های ذهنی‌ایشان، همواره با نوعی تشخّص و بر جستگی همراه است که ما عواطف خود را در تجربه‌های شعری‌ایشان بهتر می‌بینیم» [شیعیی کدکنی، ۱۳۷۶، ص ۱۷].

صور خیال مجموعه‌ی تلاش‌های شاعر برای به تصویر کشیدن دنیای ذهنی و درونی منحصر به فرد خود است. این تلاش‌هاست که موفقیت یا عدم موفقیت او را رقم می‌زند. بررسی‌این توفیق یا عدم توفیق در علم بیان بررسی می‌شود. علم بیان «ایراد معانی واحد به طرق مختلف است، مشروط براین که اختلاف آن طرق مبتنی بر تخیل باشد یعنی لغات و عبارات به لحاظ تخیل، نسبت به هم متفاوت باشند» [شمیسا، ۱۳۷۰، ص ۱۹]. و بخش‌های مهم علم بیان عبارتند از مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه.

شعر نیمایی هم فارغ از بحث وزن و نوآوری‌ها و سنت‌شکنی‌های آن، صور خیال را به عنوان یکی از ابزارهای جداناًشدنی شعر به خدمت گرفته است. شیوه‌ی به کارگیری این عناصر نزد شاعران نیمایی می‌تواند نوع نگاه و تخیل این شاعران را در دوران معاصر نشان دهد. اما آن‌چه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد شیوه‌ی بهره‌گیری م. آزاد، یکی از شاعران معاصر و از پیروان نیمایوپسیج است و تنها به تشبیه اکتفا کرده، ادات تشبیه را بررسی می‌کنیم و از دیگر بخش‌های علم بیان چشم می‌پوشیم.

تشبیه

تشبیه به عنوان اوّلین جلوه‌ی تخیل شاعر در کتب بیان به شیوه‌های مختلفی تعریف شده است که بخشی از آن‌ها عبارتند از: "آن است که چیزی را به چیزی در صفتی مانند کنند" [همایی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۲]. و یا: "چیزی به چیزی مانند است و در این باب از معنی مشترک میان مشبه و مشبه به چاره نبود و تشبیه کامل‌تر باشد که معکوس توان کرد چنانکه شب را به زلف و زلف را به شب [زادفر، ۱۳۶۸، ص ۳۴۳]. و نیز: "عبارت از مشارکت امری است با امر دیگر در معنایی" [آهنی، ۱۳۵۷، ص ۱۲۰] و نیز: "دریافت و پذیرش همانندی‌های دو یا چند چیز در یک یا چند صفت و نشان دادن آن همانندی‌ها را تشبیه یا همانندسازی می‌نامند" [ژروتیان، ۱۳۷۸، ص ۲۹]. و نیز تشبیه یادآوری همانندی و شbahتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد" [شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶، ص ۵۳]. همچنین: تشبیه مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط براین که آن مانندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی" [شمیسا، ۱۳۷۰، ص ۵۹] و "مانندگی یا تشبیه مانند کردن چیزی است یا کسی به چیزی با کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میانه‌ی آن دو می‌توان یافت" [کرازی، ۱۳۶۸، ص ۴۱]. آن گونه که از همه‌ی تعریف‌های ذکر شده بر می‌آید در تشبیه، ذهن شاعر چیزی را از روی کذب به چیز دیگر همانند می‌کند. شاعر آن چیزها را همانند می‌بیند و موضوع شعر خود را برای مخاطب خود بدین گونه توصیف می‌کند و در نتیجه مخاطب را به دیگر گونه دیدن طبیعت و پدیده‌های پیرامون اش دعوت می‌نماید. بنابراین تشبیه چهار رکن دارد: آن چه شاعر به چیز دیگری تشبیه می‌کند مشبه، آن چیز مانند شده مشبه به، ارتباط و دلیل شباht و چه شبه و حروفی چون مانند، مثل، چون، چو، همچون و... ارادت تشبیه هستند.

أنواع تشبيه از نظر ارکان

تشبیه را بر پایه‌ی ارکان آن به چهار گروه تقسیم کرده‌اند:

۱. بلیغ یا دو رکنی

در این نوع از تشبیه، تنها مشبه و مشبه به ذکر می‌شوند. مانند:

بر دشت آسمان

baghebanی بود

بردیوار نیلی زمان...

(قصیده‌ی بلندباد// شکفت نیلوفر // ص ۸۴)

*پاره‌ی اوّل: دشت آسمان، آسمان از نظر وسعت به دشت تشبیه شده است.

مشبه: آسمان، حتی مفرد // مشبه به: دشت، حتی مفرد // بلیغ

۲. مجمل یا سه رکنی باحضور ارادت

در این نوع تشبیه تمام ارکان تشبیه دیده می‌شود جز و چه شبه که ذکر نمی‌شود. مانند:

گنبد مقدس

مانند نخل خشکی

بر خاک می‌نشست.

(بامن طلوع کن، شوش، ص ۳۴۲)

*پاره‌ی اوّل: گنبد مقدس مانند نخل خشکی بر خاک می‌نشست.

مشبه: گنبد مقدس، حتی مقید // مشبه به: نخل خشکی، حتی مقید // ارادت: مانند// وجه: سست بودن و ناستواری ذکرنشده است

۳. موکد یا بالکنایه یا محذوف الادات

در این نوع تشبیه، ارادت تشبیه ذکر نمی‌شود. مانند:

جوی گریانی و درباران‌ها می‌گذرد

(قصیده‌ی بلندباد// یاس‌ها منتظرند // ص ۹۱)

*تومانند جوی گریان هستی

مشبه: تو (محبوب شاعر)، حتی مفرد // مشبه به: جوی گریان، حتی مقید // وجه شبه: جاری بودن

۴. مرسل مفصل یا چهار رکنی

در این نوع تشبیه تمام چهار رکن تشبیه ذکر می‌شود. مانند:

ماننده‌ی چکاوک پیری؛

او را نشسته

خسته و بیزار می‌بینم.

(بامن طلوع کن، بامن طلوع کن، ص ۳۹۰)

*پاره‌ی اوّل: او مانند چکاوک پیری نشسته خسته و بیزار است.

مشبه: او، حسّی مفرد // مشبه به: چکاوک پیری، حسّی مقید // ادات: ماننده‌ی // وجه: نشسته، خسته و بیزار است. موضوع این مقاله درباره‌ی ادات تشبیه است بنابر این تنها تشبیه مجمل و مرسل مفصل مورد نظر ماست و از باقی تشبیه‌های چشم پوشیده‌ایم. در کتاب‌های علم بیان ادات تشبیه را این‌گونه برشمده‌اند: «چون، همچون، مانند، چنان-چون، مثل، مانا، همانا، گویی و نظایر آن» (همایی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۸). همچنین «همین‌گونه‌اند پسوندهای شباهت: وار، وش، سن و آسا و ...» (گودرزی، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

در میان ادات به کار رفته در اشعار م.آزاد به دو گونه از ادات برمی‌خوریم:

۱. پرکاربرد(ستنتی) ۲. کم کاربرد(امروزی)

۱. پرکاربرد(ستنتی)

به آن گروه از ادات تشبیه نام داده‌ایم که ذیل ترکیب ادات تشبیه در کتاب‌های علم بیان کمتر به آن‌ها اشاره شده است و برای تعریف ادات تشبیه از این حروف بهره نبرده‌اند.

انواع سنتی ادات تشبیه آن‌هایی هستند که در شعر شاعران، پیش از دوره‌ی معاصر نیز کاربرد فراوانی داشته‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به: مثل، چون، مانند، چو و ... اشاره کرد.

آن‌چه در پی می‌آید نمونه‌هایی از کاربرد این حروف در اشعار م.آزاد است:

چون و چو:

او چو دریاهای سرکش نغمه ساز

من به او چون سنگ ساحل پای بست

(دیارشب//امرممهتاب//ص ۲۶)

* مصراع اوّل: او مانند دریاهای نغمه ساز بود.

مشبه: او(محبوب شاعر) حسّی مفرد // مشبه به: دریاهای سرکش حسّی مقید // ادات: چو // وجه شبه: نغمه ساز بودن // تشبيه مرسل

* مصراع دوم: من مانند سنگ که به ساحل وابسته است به او وابسته بودم

مشبه: من (شاعر) حسّی مفرد // مشبه به: سنگ ساحل حسّی مفرد // ادات: چون // وجه شبه: پای بست و وابسته بودن // تشبيه مرسل

گل سپید هوش خفته در گریبانش

چو عابدی که به درگاه معبدی به سجود

(دیار شب//اعود //ص ۳۱)

* مصراع اوّل: هوش به گلی سپید تشبیه شده است.

مشبه: هوش عقلی مفرد // مشبه به: گل سپید حسّی مقید

* مصراع اوّل به مصراع دوم تشبیه شده است.

مشبه: گل سپیدهوش خفته در گریبانش، مرکب // مشبه به: چو عابدی که به درگاه معبدی به سجود، مرکب // ادات: چو // تشبيه مجمل

پسوند شباهت «وش»:

مسوز آتش کاین پیکر سمندر وش

بسوزد و برمد در میان آتش و دود

(دیار شب//اعود //ص ۳۱)

* مصراع اول: پیکر همانند سمندر است.

مشبه: پیکر، حسی مفرد // مشبه به: سمندر، حسی مفرد // ادات: وش // وجه شبه: سوزان بودن
ماننده:

و اکنون در ستایش باع

تنها باید ماند

لحظه‌ای تنها

ماننده‌ی ماه آذر

زرد

سرد

خاموش

تنها

(قصیده‌ی بلندباد//قصیده‌ای به قصد آن که باید گلی شد و برخاک افتاد//ص ۵۷)

* پاره‌ی سوم: لحظه‌ای تنها به ماه آذر که زرد، سرد، خاموش و تنهاست تشبيه شده است.

مشبه: لحظه‌ای تنها حسی مقید // مشبه به: ماه آذر، حسی مفرد // وجه شبه: زرد، سرد، خاموش و تنها بودن // ادات:

ماننده // مرسل

مانست:

رود نیلارام

به خفتگان سفرهای دور می‌مانست -

به عاشقان که آسوده وار می‌میرند

و چشم مرگ افسانه شان، ستاره بارانی است.

(بامن طلوع کن، سکوت کردن، ص ۳۱۸)

* رود نیلارام به خفتگان سفرهای دور و عاشقان تشبيه شده است.

مشبه: رود نیلارام، حسی مقید // مشبه به: خفتگان سفرهای دور و عاشقان حسی مقید // ادات: می‌مانست // وجه: خسته

و بی‌رمق بودن و آسودگی // تشبيه مرسل

رود نیلارام

به خفتگان سفرهای دور می‌مانست ...

(بامن طلوع کن، سکوت کردن، ص ۳۱۹)

* رود نیلارام به خفتگان سفرهای دور تشبيه شده است.

مشبه: رود نیلارام، حسی مقید // مشبه به: خفتگان سفرهای دور، حسی مقید // ادات: می‌مانست // وجه: خسته و بی‌رمق

بودن // تشبيه مرسل

پسوند شباht «وار»:

خفته بود او در برم افسانه وار

بر لبس هذیان خاموشی و تب

(دیارشب//مرمرمهتاب//ص ۲۶)

* مصراع اول: او همانند افسانه در کنار من خوابیده بود.

مشبه: او حسی مفرد // مشبه به: افسانه عقلی مفرد // ادات: وار // تشبيه مجمل

۲. کم کاربرد(امروزی)

به آن گروه از ادات تشبیه نام داده ایم که در ذیل ترکیب ادات تشبیه در کتابهای علم بیان به آنها اشاره شده است و برای تعریف ادات تشبیه از این حروف به عنوان مثال بهره برده اند.
انواع غیرستنتی ادات تشبیه آن هایی هستند که در شعر شاعران دوره‌ی معاصر کاربرد فراوانی داشته‌اند. از میان آنها می-
توان به: مانند، و پسوندهای شباهت: وار، سان، انه و ... اشاره کرد.

آسا:

وانده زده من نشسته سنگ آسا

می خوانم

این سرود هول انگیز

می بیچد در کرانه‌ی دریا

(قصیده‌ی بلندباد// ترانه‌ی تاریک //ص ۶۲)

*پاره‌ی اوّل: من که‌اندوه‌گینم مانند سنگ بی حرکت و انعطاف می‌نشینم.

مشبه: من، حسّی مفرد // مشبه به: سنگ، حسّی مفرد // ادات: آسا // تشبیه مجمل
نه جاودانه وار، او لحظه وار، رود آسا جاری است.

(بامن طلوع کن، مثل خیالی در خون، ص ۳۴۶)

*پاره‌ی دوم: او مثل سمندری است

مشبه: او، حسّی مفرد // مشبه به: سمندر، حسّی مفرد // ادات: مثل // تشبیه مجمل

*پاره‌ی آخر: اولحظه وار، رود آسا جاری است.

مردان کوهساران؛

از قله‌ی بلند فرود آمدند

رود آسا بر دشت

جاری شدند

(بامن طلوع کن، مردانی از تبار بهار آمدند، ص ۳۸۷)

*پاره‌ی چهارم: مردان کوهساران رود آسا بر دشت جاری شدند.

مشبه: مردان کوهساران، حسّی مقید // مشبه به: رود، حسّی مفرد // ادات: آسا // وجه: جاری شدن // تشبیه مرسل

لیک این جا سرود گویانند

دل به دریا سپرده موج آسا

(دیار شب//سحر//ص ۴۷)

*مصارع دوم: دل به دریا سپرده موج آسا، سرود گویان مانند موج به دریا دل سپرده‌اند.

مشبه: سرود گویان حسّی، مفرد // مشبه به: موج حسّی، مفرد // ادات: آسا // تشبیه مجمل

(دیار شب//شعر آخرین //ص ۴۹)

سان:

تا آسمان

(آن سنگ سان)

ما را از خویش راند و گفت:

"اینک، رودید."

(آیینه‌ها تهی است، بندها(۱)، ص ۲۷۶)

نتیجه‌گیری

محمود مشرف آزاد تهرانی(م.آزاد) در اشعار خود از ادات شبیه مختلفی بهره برده است. این ادات را به دو بخش قسمت می‌کنیم: کم کاربرد(سنتی) و پرکاربرد(امروزی) برخی از این ادات امروزه کاربرد کمتری دارند. مانند: چو و چون و برخی امروزی هستند مانند: وار، سان و آنه.

منابع و مراجع

۱. بیان ، دکتر سیروس شمیسا ، نشرفردوسی ، چاپ اول تهران ۱۳۷۰.
۲. بیان درشعرفارسی ، دکتر بهروز ثروتیان ، انتشارات برگ ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۷۸.
۳. زیبا شناسی سخن پارسی (بیان) ، میرجلال الدین کرازی ، انتشارات مرکز ، چاپ اول ، تهران ۱۳۶۸ .
۴. سیمرغ خیال (درسنامه ای بیان پارسی) ، دکتر محمد تقی گودرزی ، انتشارات کلک سیمین ، چاپ اول ، تهران ۱۳۸۷.
۵. شعر و شاعری در اشعار خواجه نصیرالدین توosi ، معظمه اقبالی(اعظم)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، چاپ اول تهران تابستان ۱۳۷۰ .
۶. شعرواندیشه ، داریوش آشوری ، انتشارات مرکز ، چاپ دوم ۱۳۷۷.
۷. صور خیال درشعرفارسی ، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی ، انتشارات آگاه ، چاپ ششم تهران ۱۳۷۶ .
۸. فرهنگ بلاغی ادبی ، ابوالقاسم رادر، ج ۱، ص ۳۴۳ .
۹. فنون بلاغت و صناعات ادبی ، جلال الدین همایی، انتشارات هما ، چاپ سیزدهم ۱۳۷۶ .
۱۰. گل باغ آشنایی (کلیات اشعار م. آزاد) ، نشر علم ، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸ .
۱۱. معانی و بیان ، غلامحسین آهنی ، ص ۱۲۰ .
۱۲. معانی و بیان، دکتر کامل احمد نژاد ، انتشارات زوار ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۸۵ .
۱۳. هنرچیست ، لئوتولستوی، ص ۵۷